



انجمن علمی فقه‌برای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌برای تطبیقی

A Study on Judiciary Management in Iran and Europe

Sara Rostami^{1*}, Nariman Fakheri²

1. Assistant Professor, Law and Social Sciences Department, Payam Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

2. Assistant Professor, Law and Social Sciences Department, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 139-149

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-0672-3616

TELL: +989353919437

Email: Dr.Rostami@pnu.ac.ir

Article history:

Received: 09 Dec 2022

Revised: 07 Jan 2023

Accepted: 20 Jan 2023

Published online: 21 Mar 2023

Keywords:

Judiciary, European System,
Iranian Judiciary, Council
Management.

ABSTRACT

The main duty of the judiciary in any legal system is to fight corruption and monitor the correct implementation of laws. Judiciary, like other powers, has a unique structure and a high management system. The purpose of the current research, which was carried out with a descriptive-analytical method and with library tools, is to investigate and analyze the styles of the management of the judiciary in Iran and Europe. The results of the present research show that there are three styles for managing the judiciary in European countries, and the most important of them is the council and decentralized management in the judiciary. The main style in Europe is to create judicial councils, keeping judges separate from political and external pressures, especially the executive branch. Judicial councils are a means to preserve and enhance judicial independence by taking the authority to appoint judges from the executive branch. But in Iran's legal system, after the implementation of constitutional reforms in 1989, the council management style was dissolved and the centralized management method replaced it. This method is more compatible with the needs of Iran's judicial system by taking into account the jurisprudential foundations of Iran's legal system and the existence of the principle of jurist's sovereignty.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Rostami, S & Fakheri, N (2023). "A Study on Judiciary Management in Iran and Europe" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(1): 139-149.



انجمن علمی فقه‌جرای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌جرای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌جرای تطبیقی

دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲

مطالعه سبک‌های کلان مدیریت عالی قوه قضاییه در ایران و اروپا

سارا رستمی*^۱، نریمان فاخری^۲

۱. استادیار، گروه حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. استادیار، گروه حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

وظیفه اصلی قوه قضائیه در هر نظام حقوقی، مبارزه با فساد و نظارت بر اجرای صحیح قوانین است. قوه قضائیه نیز مانند سایر قوا دارای ساختار منحصر به خود و نیز نظام مدیریت عالی است. هدف از پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای انجام گرفته است، بررسی و تحلیل سبک‌های کلان مدیریت عالی قوه قضاییه در ایران و اروپا است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در کشورهای اروپایی سه سبک برای مدیریت قوه قضاییه وجود دارد و مهم‌ترین آنها مدیریت شورایی و غیر متمرکز در قوه قضاییه است. اصلی‌ترین سبک در اروپا، ایجاد شوراهای قضایی، جدا نگه داشتن قضات از فشارهای سیاسی و بیرونی علی‌الخصوص قوه مجریه است. شوراهای قضایی وسیله‌ای برای حفظ و اعتلای استقلال قضایی به روش گرفتن اختیار انتصاب قضات از قوه مجریه می‌باشد. اما در نظام حقوقی ایران، پس از اعمال اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، سبک مدیریت شورایی منحل و روش مدیریت متمرکز جایگزین آن گردید. این روش با در نظر گرفتن مبانی فقهی نظام حقوقی ایران و وجود اصل ولایت فقیه با نیازهای نظام قضایی ایران انطباق بیشتری دارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۹-۱۴۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۳۶۱۶-۰۶۷۲-۰۰۰۳-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۳۵۳۹۱۹۴۳۷

ایمیل: Dr.Rostami@pnu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

قوه قضاییه، نظام اروپا، قوه قضاییه ایران،

مدیریت شورایی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

بحث اصلاح ساختار نظام قضایی کشور به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اولویت‌های دستگاه قضایی کشور مطرح است؛ چراکه این مهم تضمین‌کننده اجرای عدالت، حقوق فردی و اجتماعی است. این مقاله در تلاش است که سبک مدیریت کلان قضایی را با توجه به بندهای ۱ و ۵ سیاست‌های کلی قضایی ارائه نماید. این پژوهش به مطالعه سبک‌های اداره مدیریت قوه قضاییه در ایران و سپس اروپا می‌پردازد.

۱- مفهوم مدیریت قضایی

تعاریفی از مدیریت قضایی ارائه شده است که با عنایت به گستردگی وظایف مدیران قضایی مختلف است. برخی از مفاهیم به شرح ذیل است:

اداره قضایی به معنای نهادها و سازمان‌هایی است که از ابتدا مانند قوانین اساسی، قوانین نهادی و عادی جهت ایجاد عدالت بنیان شده‌اند. ولی در معنای وسیع‌تر کلیه سازمان‌ها یا نهادهایی را در برمی‌گیرد که نه تنها برای ایجاد عدالت، بلکه برای مدیریت آن به وجود آمده‌اند. بنابراین مدیریت قضایی مفهوم گسترده‌تری دارد و فعالیت‌های بسیاری از جمله زیرساخت‌ها، مدیریت منابع مالی، زیرساخت‌ها، اداره و توسعه منابع انسانی و... را در برمی‌گیرد.

اصلی‌ترین شیوه ایجاد استقلال قضایی، جدا نگه داشتن قضاات از فشارهای سیاسی و بیرونی علی‌الخصوص قوه مجریه است. شوراهای قضایی وسیله‌ای برای حفظ و اعتلای استقلال قضایی به روش گرفتن اختیار انتصاب قضاات از قوه مجریه و واگذار نمودن آن به نهادی متشکل از قضاات و دیگر قوای مملکتی و حقوقدانان است. لازم به ذکر است که استقلال قضایی فقط به روابط برون‌سازمانی دستگاه قضایی محدود نمی‌شود (David, 2008: 1) بلکه استقلال قضایی ممکن است از درون قوه نیز مورد تهدید واقع شود؛ یعنی در صورتی که دستگاه قضایی از حیث ساختار درونی فاقد نظارت بوده یا تمامی اختیارات و منابع نزد مدیران این دستگاه متمرکز شود، چنین وضعیتی خود می‌تواند تهدیدکننده

استقلال و بی‌طرفی قضایی باشد. اما دلایل موجهه ایجاد چنین شوراهایی فقط تقویت استقلال و پاسخگویی دستگاه قضایی نبوده، بلکه ارتقاء سطح کارآمدی در مدیریت دستگاه قضایی نیز یکی از دلایل اصلی تأسیس چنین شوراهایی است (Council of Europe, 1995).

به تعبیر دیگر، مدیریت قضایی را می‌توان این‌گونه توصیف کرد که اداره منابع لازم، جهت عملکرد مطلوب و اداره قوه قضاییه (Paulita & Berthier, 2009:8) که این منابع شامل نیروی انسانی، امکانات، بودجه و زیرساخت و... می‌شود مضاف بر اینکه اداره کلان قضایی به مفهوم ایجاد تناسب و هماهنگی بین منابع انسانی و فعالیت‌های کاری و نیز فراهم نمودن بودجه و اهداف دستگاه قضایی به‌صورت مطلوب است (رضایی‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۱).

می‌توان در خصوص معنی مدیریت قضایی چنین بیان کرد که: کلیه ادارات، اقدامات و سازوکارهایی که به مدیریت دستگاه قضایی و نظام محاکم می‌پردازد و این فعالیت‌ها شامل بخش مالی، تخصیص بودجه و نیز نظارت بر آن، آموزش قضاات، انتصاب، ارجاع پرونده به قضاات، تعیین زمان رسیدگی در محاکم، نظارت بر عملکرد کارکنان اداری قضایی و وابسته است. سبک مدیریت قوه قضاییه اعم از ارکان مدیریتی، ساختار و نحوه اعمال آن به نسبت تحولات سیاسی، تاریخی، فرهنگی و... کشورها گوناگون است که ضرورت دارد مورد مطالعه قرار گیرد.

۲- شیوه اداره عالی قوه قضاییه در ایران

قوه قضاییه متشکل از معاونت‌ها، سازمان‌ها و برخی از مراکز تحت مدیریت قوه قضاییه ایران است که بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی که وظایف رئیس قوه قضاییه را شرح می‌دهد، تشکیل شدند. بر این اساس هر کدام از این وظایف در قالب یکی از معاونت‌ها و رؤسای مراکز این قوه شکل گرفت که همگی به‌صورت هفتگی تحت عنوان شورای عالی قوه قضاییه برای هماهنگی بیشتر و صدور دستورات لازم تشکیل جلسه می‌دهند.

تملک و حقوق قراردادها که در سال ۱۳۰۷ به تصویب رسید (علومی، ۱۳۴۸: ۱۹۳).

داور به‌عنوان وزیر عدلیه در ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ اعلام داشت: با عنایت به اینکه اصول تشکیلات و دادگاه‌ها و استخدام کارمندا و صاحب‌منصبان قوه قضایی و اداری دادگستری احتیاج به اصلاحات فوری و ضروری دارد و تاکنون در این زمینه اختیاراتی از سوی مجلس به وزیر وقت داده نشده است بنابراین اصلاحات میسر نمی‌شود (عاقلی، ۱۳۶۹: ۱۰۷). با تصویب قانون مجوز بازنگری قوانین اصول تشکیلات و دادگاه‌ها و استخدام عدلیه به وزیر وقت در ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ و بعد از آن تحولات در عدلیه و کلیه امور مربوطه به‌صورت متمرکز به وزیر عدلیه سپرده شد (پروین و حیدرنژاد، ۱۳۹۸: ۱۲۱).

۲-۱-۲- پهلوی دوم و اصلاحات دکتر مصدق

دوره زمامداری مصدق (از اردیبهشت ۱۳۳۰ تا مرداد ۱۳۳۲) یکی از بحث‌انگیزترین ادوار تاریخ معاصر ایران است. تغییرات قضایی شامل مجموعه‌ای از تغییرات ساختاری و شکلی بود که متناسب با فضای سیاسی آن روز و باهدف دموکراتیک کردن دستگاه قضایی صورت گرفت و در واقع در دوره مصدق نظام قضایی خارج کردن دستگاه قضایی از حال و هوای حکومت استبدادی رضاخان بود. تشکیلات قضایی و اداری دادگستری بیش از سایر جنبه‌های نظام قضایی در این دوره در معرض تغییرات قرار گرفت و تلاش در جهت استقلال قوه قضائیه در نظام حکومتی و در ارتباط با قوه قانون‌گذاری و مجریه و بالا بردن کارایی قوه قضائیه و نیز تجدیدنظر در قوانین قضایی از نقاط مثبت اصلاحات قضایی دکتر مصدق بود (علومی، ۱۳۴۸: ۲۲۴).

اقداماتی در دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق جهت اخذ استقلال و شأن دستگاه قضایی که در حکومت به وجود آمد، در لایحه مصوب ۱۴ اسفند ۱۳۳۳ (قانون اصلاح تشکیلات دادگستری و استخدام دادرسان) شورای عالی قضایی در اصلاحات جدید وجود داشت و ترکیب این شورا عبارت از: دادستان و رئیس دیوان کشور، چهار نفر از رؤسای شعب دیوان کشور که با رأی مخفی هیأت عمومی به مدت دو سال

بر اساس اصل ۱۶۰ قانون اساسی وزیر دادگستری مسؤولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را برعهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس‌جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد. رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزرا به‌عنوان عالی‌ترین مقام اجرائی پیش‌بینی می‌شود. وزیر دادگستری علاوه بر هیأت دولت در شورای عالی قوه قضائیه نیز عضویت دارد رئیس قوه قضائیه، که به‌عنوان «رئیس دادگستری ایران» نیز شناخته می‌شود، «مجتهدی عادل» منصوب‌شده توسط مقام رهبری است و برای «مدت پنج سال» خدمت می‌کند (عاقلی، ۱۳۶۹: ۱۴۱).

۲-۱-۲- پیشینه مدیریت قوه قضائیه قبل از انقلاب اسلامی

به لحاظ تاریخی لازم است به پیشینه و مدیریت تشکیلات وزارت دادگستری و عدلیه سابق در زمان پهلوی اول و دوم به‌صورت مختصر پرداخته شود.

۲-۱-۱- پهلوی اول و تشکیلات جدید عدلیه

در دوران سلطنت پهلوی قوانین عرفی بدون توجه به ضوابط و معیارهای شرعی تعیین می‌شد. آیین دادرسی مدنی ابتدا در سال ۱۲۹۰ و از قانون فرانسه اقتباس و مصوب شد و بعد در سال ۱۳۱۸ اصلاح شد. در ضمن جلد دوم و سوم قانون مدنی که شامل احوال شخصیه و اقامت بود با توجه به قوانین مدنی فرانسه بلژیک و سوئیس تهیه و تصویب گردید. در عصر پهلوی نظام قضایی ایران به سمت عرفی‌سازی و سکولاریزه کردن جامعه سوق داده می‌شد (عاقلی، ۱۳۶۹: ۱۰۶).

بعد از انقراض قاجاریه و کودتای ۱۲۹۹ و شروع حکومت پهلوی وزارت عدلیه (دادگستری) در سال ۱۳۰۵ انحلال یافت و عدلیه (دادگستری) جدید در اردیبهشت ۱۳۰۶ در هنگام وزارت علی اکبر داور افتتاح شد. اقدامات این دوره عبارت‌اند از: اصلاح آیین‌نامه استخدامی و سازمانی وزارت عدلیه و نیز قانون مدنی مشتمل بر ۹۵۵ ماده در مورد مالکیت اسباب

جامعه با مشکل روبه‌رو شده بود (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰: ۳۲۰). دادستان کل کشور که یکی از اعضای شورای عالی قضایی و نیز از اعضای شورای بازنگری قانون اساسی است؛ علل مهمی را باعث بروز مشکلات مدیریت شورای می‌داند: اتلاف نیرو، تأخیر در انجام امور، اختلاف سلیقه، عدم مسؤولیت و... (مشروح مذاکرات بازنگری قانون اساسی، ۱۳۶۹: ۲۳۵).

در مردادماه ۱۳۶۴ به‌منظور پیشبرد وظایف و مسؤولیت‌های شورای عالی قضایی و ترتیب تصمیم‌گیری و اداره شورا آیین‌نامه تعیین مسؤولیت‌های اعضای شورای عالی قضایی در ۳۹ ماده و ۴ تبصره به تصویب رسید. بر اساس ماده ۱۲ آیین‌نامه مذکور چند گروه برای بررسی انجام وظایف شورای عالی قضایی تشکیل و مضاف بر اینکه شیوه تصمیم‌گیری و اکثریت و حدنصاب لازم جهت عده‌ای از تصمیمات نیز معین شد. بنابراین طرح مشخص نمودن مسؤولیت‌های اعضای شورای عالی قضایی در این شورا تهیه و در ۲۳ بهمن ۱۳۶۷ به تصویب حضرت امام^(ع) رسید و طی نامه‌ای از رئیس‌جمهور درخواست شد تا جلسه‌ای ترتیب و سران سه قوه و اعضای شورای عالی قضایی موضوع شرح وظایف اعضای شورای عالی قضایی را مطالعه و طرح‌های خود را به امام^(ع) پیشنهاد دهند. در ۲۴ بهمن جلسه تشکیل و شرح وظایف اعضا به تأیید ۵ نفر از ۷ نفر حاضر رسید. بر اساس این طرح مسؤولیت‌های مختلف قوه قضاییه بین اعضای آن تقسیم شد و اموری از قبیل تعیین حقوقدانان شورای نگهبان، نماینده قوه قضاییه در شورای سرپرستی صداوسیما و پیشنهاد وزیر عدلیه و... جزء وظایف شورای عالی محسوب شد. طرح فوق در ۲۶ بهمن به تأیید حضرت امام^(ع) رسید.

تمهیدات انجام شده که هدف آن گذر از مشکلات اداره شورای عالی تنظیم شده بود، قادر نبود مشکلات اداره قوه قضاییه را کم نماید و نیز قدرت تصمیم‌گیری در سطوح بالا نیز مزید علت شد که حضرت امام^(ع) تقاضای تقسیم‌کار و مشخص نمودن زمینه مسؤولیت هر یک از اعضای شورای عالی قضایی نماید و دیگر اینکه موانع دیگری نیز باعث شد تا حضرت امام^(ع) طی نامه‌ای شدیدالحنی به نحوه عملکرد

انتخاب می‌شوند. رئیس‌کل محاکم استان مرکز و مدیرکل اداری وزارت عدلیه سمت دبیر هیأت را نیز دارا بود.

بدین ترتیب شورای عالی قضایی که ترکیبی از عالی‌ترین مقامات قضایی بود و با عنایت به اختیارات و صلاحیت‌هایی که برخوردار بود، قادر بود هویت و استقلال مطلوبی به قوه قضاییه ببخشد. شورای عالی فوق بر اساس قانون سازمان دادگستری در ۱۷ شهریور ۱۳۳۵ حذف گردید و وضعیت به حال ماقبل برگشت. بنابراین شورای عالی قضایی باینکه حتی یک‌بار هم تشکیل نشده بود، منحل گردید و وظایف و اختیاراتش به دادگاه انتظامی قضا و وزیر دادگستری منتقل شد و دوباره وزیر دادگستری بر قوه قضاییه تسلط یافت (زرنگ، ۱۳۸۱: ۱۸۴).

با اینکه در قانون اساسی مشروطیت اشاره‌ای به ریاست قوه قضاییه و لزوم استقلال قضایی نشده بود ولی ضرورت ایجاب می‌کرد که مدیریت این قوه مستقل از دیگر قوا باشد و یک اقدام معکوسی که در قانون تشکیلات عدلیه سال ۱۳۲۹ گذاشته شد آن بود که قضا و قضات عالی‌مقام (روسای دادگاه‌ها و مستشاران دیوان، کارمندان و روسای دادگاه‌های استیناف و روسای دادگاه‌های بدوی) با تصویب وزارت عدلیه و با فرمان شاه منصوب گردند و دیگر قضا با حکم وزارتی (رئیس وزارت عدلیه) منصوب می‌شدند و قوانین بعدی (۱۳۰۷، ۱۳۱۵، ۱۳۲۳، ۱۳۳۵ و...) وزیر دادگستری را در مدار قوه قضاییه قرار می‌داد. باین‌حال سازمان‌های قضایی و اداری، امور تشکیلاتی و... تحت اقتدار وزیر دادگستری قرار می‌گرفت.

۲-۲- پس از انقلاب اسلامی

طبق قانون اساسی سال ۱۳۵۸، والاترین مقام قوه قضاییه، شورای عالی قضایی بوده و مسؤولیت‌های قوه قضاییه به‌وسیله این شورا به مورد اجرا درمی‌آمد. بنابراین اداره قوه قضاییه، بر اساس قانون اساسی، به‌صورت شورایی انجام می‌شد. آنچه از شرح مذاکرات شورای بازنگری برمی‌آید، اعضای شورای عالی قضایی در برخی موارد اختلاف آراء داشتند که در پیشبرد امور و اتخاذ تصمیم قاطع و مفید برای

نزاع‌ها، صدور رأی و اجرای احکام ضروری می‌پردازند. تنفیذ عملی احکام و دستورات ضروری و هر آنچه در ارتباط با عمل و در محدوده احکام اسلامی است مربوط به وظیفه حاکم اسلامی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۴۴). و نیز حکم نمودن در بین مردم و ولایت بر قضا از وظایف وی و واجب کفایی و برخی اوقات واجب عینی است که از نظر عقلی و نقلی تأیید شده است.

یکی از وظایف حاکم قضاوت کردن است و نصب دادرسان از طرف وی و ولایت امر انجام می‌شود. زیرا حاکم جامعه وظیفه‌اش ایجاد نظم است و حکومت خوب فقط با قضاوت صحیح در بین مردم ایجاد می‌شود و در این مسأله فقها اتفاق نظر دارند و در مورد ولایت بر قضاوت، اجازه امام یا کسی که از طرف امام این ولایت به او تفویض شده ضروری است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۴۱۰). خلاصه کلام اینکه قضاوت بین مردم و حکم کردن در بین مردم در نزاعات جایگاهی است که فقط برای فقیه جامع‌الشرایط فتوا است و نظر مخالفی در بین متون و فتاوی فقها نیست.

در حکومت اسلامی امر قضاوت و قضا از جمله وظایف ولایت امر است و ولی فقیه باید عهده‌دار آن باشد و در حکومتی که بر اساس دین اسلام استوار است یا خود ولی فقه باید امر قضاوت را بر عهده بگیرد یا فردی که از جانب وی تفویض اختیار شده تا مطابق شرع و قانون اسلام این مسؤولیت را بپذیرد (بهشتی، ۱۳۹۰: ۶۱). پس لازم است مدیریت قوه قضاییه به‌گونه‌ای از سوی ولایت فقیه مشروعیت یابد و مقام قضا که مخصوص ولی فقیه است با انتصاب رئیس قوه قضاییه یا روش دیگری اعمال شود.

در انتها، تسلط در مدیریت قوه قضاییه به‌صورت شخصی در شورای بازنگری قانون اساسی مصوب شد و اصل ۱۵۷ ق.ا. بیان می‌دارد: «جهت انجام مسؤولیت قوه قضاییه در تمامی کارهای قضایی، اداری و اجرایی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدبر و مدیر را برای مدت پنج سال به‌عنوان رئیس قوه قضاییه مشخص می‌کند که والاترین مقام قوه قضاییه است». رئیس قوه قضاییه بالاترین مقام را دارد که والاترین منصب این قوه به‌شمار می‌آید.

شورا اعتراض نماید. نامه وی حاوی نکاتی از قبیل: اشتغال تمام‌وقت حتی خارج از وقت اداری به امور قضایی، تقسیم‌کار و جلوگیری از تعطیلی احکام الهی بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۲۴۹).

بعد از مدتی امام^(۵) طی نامه‌ای موضوع اصلاح قانون اساسی را مطرح و موضوع تمرکز در اداره قوه قضاییه در بند ۳ به‌عنوان یکی از موارد بازنگری مشخص شد (هاشمی، ۱۳۹۲: ۵۳). باید اشعار داشت که اداره شورایی، قوه قضاییه را از حیطه فردی خارج کرده بود و این درست به نظر می‌رسید. بنابراین شورایی بودن والاترین مقام مسؤول قوه قضاییه، در صورت اینکه آشنایی با فرهنگ داشته باشد (نیل به هماهنگی، درک مفاهیم مشترک، گریز از تکراری، تمکین نسبت به رأی اکثریت و اتخاذ تصمیم واحد) می‌توانست مفید فایده باشد ولی تجربه ده‌ساله مدیریت شورای عالی نتوانست موفق باشد.

با عنایت به تجربه بازنگری قانون اساسی که توسط امام^(۵) مطرح و در آن شورای عالی قضایی حذف و رئیس قوه قضاییه پیشنهاد و مصوب شد و علت آن این بود که وحدت نظر بین ۵ عضو شورای عالی قضایی با اکثریت آراء به صلاح جامعه نبود و بنابراین مسأله تمرکز اختیارات در اداره قضایی در ید قوه قضاییه طرح شد (مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۶۹: ۹۲۳). بنابراین، بعد از حذف شورای عالی قضایی، مقام جدیدی تحت عنوان «رئیس قوه قضاییه» به وجود آمد و عزل و نصب رئیس قوه قضاییه بر عهده مقام رهبری است. زیرا قضاوت از مقام ولایت امر است که قادر خواهد بود مسؤولیت‌های قضایی را بر عهده شخص دیگری قرار دهد.

در فقه امامیه، اعمال ولایت بر قضا را از مقام فقیه جامع‌الشرایط می‌دانند و ضروری است اداره امور قوه قضاییه با اذن ولی فقیه انجام شود و انتصاب والاترین مقام قوه قضاییه توسط مقام ولی فقیه صورت گیرد و ایشان اول با کوشش و تلاش مستمر و اجتهاد علمی، احکام قضا الهی و مبانی را از منابع اصلی آن اخذ می‌شود و بعد بر پایه همان علوم و احکام و بدون اینکه دخل و تصرفی در آن بشود، به رفع اختلافات،

اصل‌های ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۷۳، ۱۷۴ به مهم‌ترین وظایف رئیس قوه قضاییه اشاره می‌نماید:

ایجاد تشکیلات لازم دادگستری مطابق اصل ۱۵۶، تهیه لوایح قضایی، استخدام قضات عادل و شایسته لایق و عزل و نصب آن‌ها، نصب رئیس دیوان عالی و دادستان کل کشور با مشورت قضات عالی کشور برای مدت ۵ سال، پیشنهاد وزیر دادگستری به رئیس‌جمهور تعیین ضوابط برای تشکیل دیوان عالی، امور مربوط به دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور.

بر اساس اصل ۱۶۰ قانون اساسی، وزیر دادگستری به‌عنوان رابط قوه قضاییه با هیأت دولت و قوه مقننه است و به‌حسب وظیفه‌ای که قانون اساسی برای وی مشخص نموده است در جریان تصمیمات قوه قضاییه قرار می‌گیرد. رئیس قوه قضاییه باید برای تعیین وزیر دادگستری چند نفر را به رئیس‌جمهور پیشنهاد نماید و با انتخاب رئیس‌جمهور به مجلس جهت اخذ رأی اعتماد معرفی می‌شود (پروین و حیدرنازاد، ۱۳۹۸: ۱۲۴).

طبق اصل ۱۵۷ رئیس قوه قضاییه عهده‌دار قوه قضاییه در تمامی امور قضایی، اجرایی و اداری است و با قوانین عادی قادر نخواهیم بود این مسؤولیت را از وی سلب و به قوه مجریه انتقال داد. بنابراین شورای نگهبان در نظریه تفسیری و موردی خود (اعلام مغایرت یا مطابقت با قانون اساسی) به‌صراحت مغایرت پیوستن سازمان‌های وابسته قوه قضایی را به وزارت دادگستری بیان داشته است.

نکته اصلی سیاست‌های شانزده‌گانه کلی قضایی است که مجمع تشخیص مصلحت تصویب کرده و مقام معظم رهبری نیز آن را تأیید کرده‌اند. لایحه مذکور با بندهای ۳، ۵، ۱۲ و ۱۳ سیاست‌های شانزده‌گانه مجمع نیز مغایرت دارد. طبق بند ۳ این سیاست‌ها از جمله وظایف رئیس قوه قضاییه تلاش برای جلوگیری از وقوع جرم و ضرورت همکاری دیگر دستگاه‌ها با قوه قضاییه است. پس در این مورد نمی‌توان این امر را به نهاد دیگری چون قوه مجریه محول کرد و عملاً موجب نسخ آن شد.

۳- انواع شیوه‌های مرسوم مدیریت عالی قوه قضاییه در اروپا
در شیوه مدیریت قوه قضاییه، استقلال قضایی مهم است و آن منجر به رشد قابل‌توجه شوراهای قضایی شده است. بنابراین هرگونه تعیین درجه استقلال قضایی را باید در نقش‌های گوناگون ارگان‌های تنظیم‌گر یا برقراری عدالت دانست که معروف به شورای عالی قضایی می‌باشند (Paulita & Berthier, 2009: 9).

در کشورهای اروپایی از پنج مدل مدیریتی کلان استفاده می‌شود که عبارت‌اند از: الگوی وزارت دادگستری، شورای قضایی، خدمات دادگاه، ترکیبی و سوسیالیستی (Alexander, 2009: 58) که بر اساس میزان نقشی که بر عهده دارند و تمرکز آن در اروپا به سه دسته قابل‌تقسیم می‌باشند: مدل تک‌باخت (متمرکز)، مدل غیرمتمرکز و یا رقابتی و مدل رئال استقلال‌گرا یا خودمختار- که شکل ظاهر و تفاوت این سبک‌ها در کشورهای مختلف متغیر است (Paulita & Berthier, 2009: 10). این مدل‌ها بر اساس میزان تمرکز اختیارات اداره دستگاه قضاییه و نحوه عملکرد آن انجام شده است.

۳-۱- شیوه تک‌باخت (متمرکز)

بر اساس مدل تک‌باخت، مدیریت دستگاه قضایی به‌صورت انحصاری به وزارت دادگستری مربوط است. هیچ شورایی برای مدیریت دستگاه قضایی نیست. بر اساس این نمونه مدیریت نظام قضایی و توزیع منابع مالی در اختیار دولت قرار دارد و نوعی از تفکیک قوا است که بر این اساس برقراری عدالت را کارکرد دولت می‌داند که خیلی به قوه مجریه ارتباط دارد. تعدادی از کشورهای اروپایی همانند بوسنی و هرزگوین، اتریش، ایسلند، سوئیس و لوکزامبورگ در سطح فدرال از این شیوه پیروی می‌کنند (Paulita & Berthier, 2009: 10).
در کشور انگلستان تا زمان اصلاحات بنیادی و اساسی (شیوه مدیریتی قوه قضاییه) سال ۲۰۰۵ به نظام متمرکز (تک‌باخت) معروف بوده است (رشوند بوکانی، ۱۳۸۸: ۱۲۶). در شیوه مدیریت قضایی انگلستان تا سال ۲۰۰۵ لرد چانسلر،

اکثر موارد، تقسیم قدرت اجرایی بین شورای عالی و وزارت دادگستری به سود شورای قضایی نیست و باید دانست که این شورا به صورت سنتی کم‌تأثیر می‌باشند، چراکه جهت تضمین استقلال قضایی، آموزش قضات و نظارت بر آن‌ها بر عهده شورای قضایی است، لیکن وظایف مالی و اداری و در کل آنچه به قدرت سیاسی ارتباط دارد در حیطه وزارت دادگستری است.

لذا برخی امتیازات خاص به نفع شوراها تقسیم شده است. برای مثال، در ارمنستان شورای قضایی اجازه ارائه توصیه‌های مربوط به آموزش قوه قضاییه است. مضاف بر اینکه قادر خواهد بود نظر خود را درباره مجازات اعدام که توسط رئیس‌جمهور ارائه می‌شود، ارائه دهد. در کشور بلژیک شورای عالی دادگستری که قادر به دادن نظرات درباره عملکرد محاکم است. بنابراین عهده‌دار نظارت کلی محاکم و نیز رسیدگی به شکایات مطروحه خواهد بود (Paulita & Berthier, 2009: 10).

دیگر آنکه بلژیک انتخاب و آموزش دادرسان در ابتدای خدمت را که بر عهده شورای عالی دادگستری است و نیز کلیه دادرسانی که از سوی شورای عالی دادگستری برگزیده می‌شدند می‌بایست دوره آموزشی خود را زیر نظر شورای عالی سپری کنند. در کل تعدادی از کشورهایی که این مدل را انتخاب نموده‌اند مانند: ایتالیا، اسپانیا، پرتغال، فرانسه در اداره نمودن وزارتخانه‌ها طی سالیان به تأثیر رشد افزون شوراهای قضایی تأکید دارند (Paulita & Berthier, 2009: 10).

با اصلاحات سال ۲۰۰۵ کشور انگلستان در مدیریت قوه قضاییه به سوی شیوه غیرمتمرکز روی آورد. در ابتدای قرن ۲۱ میلادی لرد چانسلر که نظرش اختلاط مقام اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی بود رو به افول نهاد. زیرا که مخالف تفکیک قوا بود و دیگر اینکه اختیارات گسترده لرد چانسلر با کنوانسیون حقوق بشر اروپا نیز مخالفت داشت. بدین صورت

مسئولیت وسیعی را به‌عنوان یکی از اعضای کابینه بر عهده داشت. وی قبل از آنکه نماینده دولت در مدیریت قضایی باشد، نماینده قضات در مجلس بود و نوع اداره دستگاه قضایی را شیوه متمرکز (تک بافت) انتخاب نموده بود (وکیلیان، ۱۳۹۵: ۱۷).

همچنین لرد چانسلر در سال ۲۰۰۳ از مشاورین سلطنتی و عضو کابینه که مدیر شعبه امور سیاسی را بر عهده و وزیر دولت در این امور اساسی بود. این منصب در سال ۲۰۰۷ به وزیر دادگستری تغییر یافت و بعدازآن به وزارت دادگستری^۱ تبدیل شد (حیدرنازاد و پروین، ۱۳۹۸: ۱۲۰). شعبه‌ای که به‌وسیله لرد چانسلر مدیریت می‌شد، مسئولیت‌های متعددی داشت، مثل مدیریت دادگاه‌ها. علاوه بر این، لرد چانسلر نقش تأثیرگذاری در تعیین قضات در محاکم انگلستان داشت.

قضات عالی‌رتبه مستقیماً به‌وسیله پادشاه و با مشورت لرد چانسلر منصوب می‌شدند. باید بیان داشت که مهرداد سلطنتی که در رأس اداره قضایی انگلستان بود و نقطه نظرات و دیدگاه‌های خود را در خصوص نحوه انتخاب قضات، از هیئت‌امنای صلح تا مقامات بالا مرتبه قضایی انگلستان ارائه می‌کرد.

۳-۲- شیوه غیرمتمرکز

بر اساس شیوه غیرمتمرکز در اداره دستگاه قضایی نهادهای متمایز مشارکت می‌کنند؛ یعنی وزارت دادگستری که در این بخش برتری بیشتری دارد شورا به صورت مشترک دستگاه قضایی را اداره می‌کنند. اکثریت قابل‌توجهی از کشورهای اروپایی این مدل را انتخاب کرده‌اند. به‌عنوان یک رویکرد تدوین‌شده و معروف در بعضی اوقات در اختیارات و تقسیم قدرت در بین شورای قضایی و وزارتخانه، به‌طور معمول وزارت دادگستری از اختیارات و صلاحیت ویژه‌ای برخوردار است که امکان دارد به تمرکز قدرت در وزارتخانه‌ها بیانجامد. وظایف کاملاً مشخصی برای شورای قضایی است و قادر خواهد بود به ایجاد وظایف مشخصی در شورا کمک نماید. در

^۱ - Ministry of Justice

۳-۳- شیوه مدیریتی خودمختار

در این شیوه، شوراهای عالی قضایی اختیارات گسترده‌ای در بخش سازمانی، قضایی و عملکرد محاکم دارا می‌باشند. این شوراها تضمین‌کننده قوه قضاییه نمی‌باشند و نوعی اتفاق نظر وجود دارد که بیشتر اعضای شورا می‌بایست از دادرسان باشند و نمایندگانی از جامعه مدنی در شورا داشته باشند و نحوه برگزیدن دادرسان در مقاصد آن‌ها بسیار اهمیت دارد (Garoupa & Ginsburg, 2008: 11).

وظایف و اختیارات شوراهای قضایی از کشوری به کشور دیگر و در مناطق مختلف جهان متفاوت است. باوجود این انتخاب و انتصاب قضات، آموزش، ارزیابی و ارتقاء قضات، مسائل انضباطی و رفتاری قضات، اداره دادگاه‌ها و کنترل بودجه و سیاست‌گذاری و دسترسی به اطلاعات از مهم‌ترین وظایف آنان محسوب می‌گردد.

در این شیوه، شوراهای عالی قضایی در کشورهای هلند، سوئد، مجارستان، دانمارک، ایرلند در حوزه قضایی، عملکرد سازمان‌ها و محاکم قدرت بسیاری دارند. در کشور هلند شورای اداره عالی قضایی عهده‌دار امور محاکم است. این نهاد آماده‌سازی دادگاه برای حصول اطمینان از کارآمدی آن‌ها را نیز بر عهده دارد و می‌توان آن را نهاد عدالتی و تنظیم‌گر قضایی به‌شمار آورد (Paulita & Berthier, 2009: 12). می‌توان بیان کرد که این سبک در کشورهای اروپای شمالی بیشتر استفاده می‌شود. در این شیوه شورای عالی قضایی بر روی کارهایی متمرکز می‌باشند که به‌ویژه از رهگذر ارزیابی عملکرد دادگاه‌ها منتهی به افزایش کارآمدی نظام قضایی می‌شود. خلاصه کلام اینکه هدف غایی این شیوه ارتقاء سطح استقلال تمامی دادرسان، قوه قضاییه و نیز بهبود کارایی قوه قضاییه است.

در کشور هلند در سال ۲۰۰۲ بخشی از وظایف وزیر دادگستری به «شورای عالی قضایی» انتقال یافت. وظایف شورا ماهیت اجرایی داشته و شامل اموری مانند: نظارت بر مدیریت مالی، سیاست‌های پرسنلی (جذب و آموزش)، تخصیص بودجه، فناوری اطلاعات و تأمین ساختمان محاکم

در می ۲۰۰۶ قانون بازنگری قانون اساسی که در ۲۰۰۵ اجرایی شد و این قانون چهار مورد بنیادین را تغییر می‌داد: دفتر رئیس دیوان عالی، ایجاد کمیسیون انتصاب قضایی انگلستان و ولز، استقلال قضایی، ایجاد دیوان عالی (Database for Institutional in Euro, 2013: 4).

بنابراین؛ کمیسیون انتصاب دادرسان (JAC) به‌صورت رسمی در ۳ آوریل ۲۰۰۶ کار خود را آغاز نمود. کمیسیون یک نهاد مستقل غیر مجلسی است که جهت برگزیدن مقامات قضایی به وجود آمده است. انتخاب شونده‌گان منصب‌های دادرسی بر اساس لیاقت و از طریق رقابت آزادانه و منصفانه برگزیده می‌شوند، با این اوصاف خیلی از نامزدها جهت تصدی قضاوت به رقابت می‌پردازند.

بنابراین در دستگاه قضایی جدید، وزارت عدلیه عهده‌دار مسائل مالی و تدارکاتی قوه قضاییه و نیز تدوین سیاست‌هایی در زمینه خانوادگی، مدنی، کیفری و اداری است.

در کشور فرانسه بعضی از اختیارات شورای عالی قوه قضاییه مربوط به نظم و انتصاب دادرسان و دادستان عمومی است که آن‌ها باعث می‌شوند حزبی‌ها در قوانین نفوذ نکنند. در کشور فرانسه، رئیس‌جمهور بر اساس قانون اساسی ضمانت استقلال قوه قضاییه را بر عهده دارد (Horne, 2009: 5). دو کرسی در شورای عالی قضایی، دادرسان و دادستان عمومی است که دارای ۱۶ عضو می‌باشند که ۱۲ نفر آن‌ها دادرسان برگزیده و ۴ نفر آن‌ها به‌طور مشترک توسط رئیس مجمع ملی، رئیس‌جمهوری، مجمع عمومی شورای دولت و رئیس مجلس سنا انتخاب می‌شوند (Aguilera, 2012: 9).

در قانون جدید، نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور عضو شورای عالی بودند. در بازنگری قانون اساسی ۲۰۰۸، نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور از شورا حذف و ترکیب جدید به شرح زیر مشخص شد: بر اساس ماده ۶۵ قانون اساسی فرانسه، شورای عالی دو بخش است: بخش اول مربوط به دادرسان و دیگری مربوط به دادستان‌های عمومی است.

وزیر دادگستری است. تجربه اداره شورای قبل از اصلاح قانون اساسی سال ۱۳۶۸ چندان کارایی نداشت.

امروزه در برخی از کشورهایی که مدل غیرمتمرکز را انتخاب نموده‌اند در قدرت مدیریت بین وزارتخانه‌ها و شورای قضایی عالی مشترک می‌باشند و به تدریج نقش شوراهای عالی قضایی رو به بهبود است. بنابراین با توجه به تجربه موفق کشورهای اتحادیه اروپا در اداره شورای قوه قضاییه، بسیاری از کشورهای دارای نظام حقوقی مدون در اروپا، این قبیل شوراهای قضایی را به منظور تقویت استقلال نهادی دستگاه قضایی ایجاد کرده‌اند و نهایتاً در کشورهای اروپایی تمایل برای ایجاد نهادهای مستقل جهت اداره و مدیریت دستگاه قضایی است که شورای قضایی از رایج‌ترین آن‌ها است. با توجه به مطالعات انجام‌شده در کشورهای اروپایی شوراهای عالی قضایی همراه با وزارت دادگستری عهده‌دار مدیریت، سیاست‌گذاری و نیز مدیریت اجرایی قوه قضاییه است.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش مقاله حاضر، معیارهای اخلاقی از جمله استناددهی دقیق و علمی مورد توجه بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش مقاله توسط نویسنده اول بوده و نظارت بر آن بر عهده نویسنده دیگر است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تعارض منافع: در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۰). صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگاری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.

- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۹). صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگاری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.

است. بنابراین شورای با این اقدامات کمک‌کننده به محاکم است. شورای عالی حافظ منافع دادگاه‌ها و قوه قضاییه در دولت است و کار مهم آن ارتقاء دستگاه قضایی و ارائه تصویب قوانین و کیفیت سازمانی است که به قسمت اجرایی عدلیه مرتبط است (افشار، ۱۳۹۵: ۲).

در هلند وظایف قانونی وزارت دادگستری عبارت است از: فراهم آوردن مقدمات قانون‌گذار کارآمد خصوصاً در بخش حقوق و آیین دادرسی مدنی، حقوق و آیین دادرسی کیفری، حقوق و آیین دادرسی اداری و حقوق اساسی. پیش‌گیری از وقوع جرم و اجرای قانون، حفاظت و حمایت از کودکان و نوجوانان و ... با مشاهده وظایف و نهادهای زیرمجموعه وزارت دادگستری و امنیت و مقایسه آن با اختیارات دستگاه مقام قضایی معلوم می‌شود که در نظام ساختار حقوقی فعلی حاکم بر هلند، دادگاه‌ها و هر آنچه به امر قضاوت و دادرسی مربوط است. ذیل قوه قضاییه محسوب شده و از نظر اداری تحت مدیریت شورای قضایی هستند (افشار، ۱۳۹۵: ۱۶). بنابراین بودن شورای عالی قضایی در شاکله اداره قوه قضاییه ضمانت‌کننده استقلال آن نیست و نوعی اتفاق نظر وجود دارد که غالب اعضاء باید دادرسان باشند (وکیلان، ۱۳۹۲: ۳۱). مضاف بر اینکه دادرسان باید به‌عنوان نماینده‌ای در جامعه مدنی و دولت باشند. می‌توان بیان کرد که: تمایل به مدیریت شورای در بین کشورهای اروپایی وجود دارد و این تمایل مدیریت شورای قوه قضاییه به استقلال قضایی و ارتقای کارآمد بودن آن بسیار مفید بوده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه یکی از هدف‌های شوراهای قضایی، ارتقاء و حفظ استقلال قضایی به‌وسیله أخذ اختیار انتصاب دادرسان از قوه مجریه و واگذار نمودن آن به نهادی که از دادرسان و اعضای سایر قوای حکومتی و حقوقدانان است، اکنون کارهای میان وزارت دادگستری و شوراهای قضایی تقسیم شده است به صورتی که صلاحیت‌های شورای قضایی عبارت‌اند از: وظایف انتخاب، آموزش و جذب قضات، نظارت بر دادگاه‌ها، ارائه و پیشنهاد لایحه‌های قضایی. مضاف بر اینکه مسائل اجرایی و امور مربوط به بودجه در زمره اختیارات

- وکیلان، حسن (۱۳۹۵). *نظام حقوقی مدیریت دستگاه قضایی*. چاپ اول، قم: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۲). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. چاپ دوازدهم، تهران: میزان.

ب. منابع انگلیسی

- Aguilera, E (2012). *The French Legal System*. New York: Academia.

- Alexander, E (2009). *Judicial Councils and judicial independence*. Chicago: University of Chicago.

- Council of Europe. Committee of Ministers (1995). *The management of criminal justice*. London: Legal issues.

- Database for Institutional in Euro (2013). *Judge selection in highest courts, 2013 - 2014*. Washington, DC: Central Intelligence Agency.

- Garoupa, N & Ginsburg, T (2008). *Judicial Councils and judicial independence*. Chicago: University of Chicago.

- Horne, A (2009). *Judicial Appointment System in England and Wales*, London: Springer.

- Pauliat, H & Berthier, L (2009). "Administration and Management of Judicial Systems in Europe". *CEPEJ*, 10: 1-10.

- افشار، سجاد (۱۳۹۵). *آشنایی با نظام‌های قضایی در حقوق تطبیقی هلند*. چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *ولایت فقیه ولایت فقاقت و عدالت*. چاپ یازدهم، قم: نشر اسراء.

- حسینی بهشتی، محمد (۱۳۹۰). *مبانی نظری قانون اساسی*. تهران: بقعه.

- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- پروین، خیرالله و حیدر نژاد، ولی‌الله (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی مدیریت عالی قوه قضاییه در نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا». *مجله فصلنامه دانش حقوق عمومی*، ۲۶: ۱۱۱-۱۳۴.

- رشوند بوکانی، مهدی (۱۳۸۸). *استقلال قاضی و قوه قضاییه در حقوق ایران، امریکا و فرانسه*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- رضایی زاده، محمود (۱۳۸۳). *مدیریت قضایی*. چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

- زرینی، حسین و هژبریان، حسین (۱۳۸۸). *تاریخ معاصر دستگاه قضایی ایران و تحولات آن*. چاپ اول، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

- علمی، رضا (۱۳۴۸). *کلیات حقوق*. تهران: مؤسسه عالی حسابداری.

- عاقلی، باقر (۱۳۶۹). *داور و عدلیه*. چاپ اول، تهران: انتشارات علمی.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵). *انوار الققاهه - کتاب الیبع*. چاپ اول، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.